



## تجارب مشترک خانواده‌های بیماران زن مبتلا به اختلال دوقطبی در فاز مانیا (یک مطالعه پدیدار شناسی)

لیدا ساسانی<sup>۱</sup>، مریم مقیمان<sup>۲</sup>، سید علی ناجی<sup>۳</sup>، فاطمه لهراسی<sup>۴</sup>

۱. کارشناس ارشد پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)، دانشکده پرستاری و مامایی
۲. کارشناس ارشد پرستاری، عضو هیئت‌علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، دانشکده پرستاری و مامایی
۳. عضو هیئت‌علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)، دانشکده پرستاری و مامایی
۴. کارشناسی ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

**مقدمه:** اختلال دوقطبی یکی از بیماری‌های شایع روان‌پزشکی می‌باشد که در دو جنس شیوع یکسانی دارد. در این اختلال خلق و عاطفه در دو فاز افسردگی و مانیا نوسان پیدا می‌کند و موجب بروز آشفتگی‌های در فرد و در نتیجه در خانواده می‌شود. از آنجایی که ابتلا به بیماری‌های روانی به خصوص مانیا با ماهیت خاص آن، به عنوان یک تابوی اجتماعی مطرح است لذا خانواده‌های این بیماران با چالش‌های زیادی مواجه می‌شوند. پژوهش حاضر نیز باهدف بررسی و شناخت تجارب مشترک خانواده‌های بیماران زن مبتلا به اختلال دوقطبی در فاز مانیا انجام شده است.

**روش:** مطالعه با روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. نمونه‌های پژوهش شامل ۱۵ خانواده بیمار زن مبتلا به اختلال دوقطبی در فاز مانیا بودند. محیط پژوهش بخش روان‌پزشکی زنان بیمارستان فارابی (اصفهان) و ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق و بدون ساختار بود که تا اشباع اطلاعات ادامه یافت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش ۷ مرحله‌ای کلایزی انجام شد.

**یافته‌ها:** پس از مصاحبه با شرکت‌کنندگان و تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها ۱۲۸ کد مفهومی استخراج شد سپس با ادغام آن‌ها در هم زیر مفاهیم کمبود آگاهی، کتمان بیماری، باورهای غلط، احساس شرم، احساس گناه، افسردگی اعضا خانواده، اضطراب اعضا خانواده، ترس مداوم، انزوای اجتماعی، درگیری مداوم اعضا باهم، انگ، تبعیض، قضاوت نادرست، هزینه زیاد درمان‌ها، عدم سیستم حمایتی پدید آمدند و بعد در قالب تم‌های اصلی پنداره‌ها، واکنش متقابل، آشفتگی ارتباطی و رفتار متفاوت چتر حمایتی قرار داده شدند و نهایتاً ماهیت تجارب مشترک خانواده‌های زن مبتلا به اختلال دوقطبی در فاز مانیا شکل گرفت.

**بحث و نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش نشان داد که مبتلا بودن یکی از اعضای خانواده به چنین بیماری روان‌پزشکی تأثیرات منفی زیادی بر شرایط خانواده گذاشته و کیفیت زندگی سایر اعضا را در تمام ابعاد کاهش داده بود لذا قرار گرفتن خانواده این

بیماران در یک سیستم حمایتی جامع امری ضروری به نظر می‌رسد.

**واژگان کلیدی:** تجارب، خانواده، اختلال دوقطبی، پدیدار شناسی